

بررسی تطبیقی معاد در کتب اوستا، عهدین، تلمود و قرآن کریم با تأکید بر اوصاف و ویژگی های بهشت

غلامحسین آعرابی^۱

محمد معظمی گودرزی^۲

چکیده

مسأله معاد در کتب اوستا، عهدین، تلمود و قرآن کریم صراحتاً ذکر شده است و تنها در اسفار پنجگانه تورات سخن صریحی بر این مطلب نیست. در عهد عتیق سخنی در مورد اوصاف بهشت ذکر نشده، ولی در اوستا و عهد جدید برای بهشت اوصافی کلی مانند جایگاه آسایش و خوشی، بهترین زندگی و زندگی جاوید ذکر شده است. اوصاف بهشت و نعمت های آن با جزئیات بیشتر و بسیار شبیه به آنچه که در قرآن کریم ذکر شده است در سنت شفاهی یهود یعنی «تلمود» و کتب زرتشت یافت می شود و این مطلب ناشی از منشأ واحد این کتب و الهی بودن آن هاست. علاوه بر این مبحث معاد و اوصاف بهشت در قرآن کریم نسبت به کتاب های ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت، از جامعیت و دقت خاصی برخوردار است و این مسأله نشان از تحریف کتب آسمانی پیشین، قرار گرفتن دین اسلام در مرحله ای فراتر در سیر تکاملی ادیان و نقش مهیم بودن قرآن کریم نسبت به سایر کتب آسمانی است.

کلید واژه ها: قرآن، معاد، توصیفات بهشت، اوستا، تورات، عهدین، تلمود.

gholamhoseinarabi@yahoo.com
mohammad.moazamy@yahoo.com

۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم.

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، (نویسنده مسئول).

یکی از آموزه های اصلی و ضروریات ادیان الهی در طول تاریخ، اعتقاد به مسأله معاد و جهان پس از مرگ می باشد که پیامبران الهی پس از اصل توحید مردم را به آن دعوت کرده اند. چنین اعتقادی یک باور فطری و طبیعی است که عدم اعتقاد یا عدم شناخت درست از آن موجب بیهوده و عبث انگاشتن حیات انسان است. در این نوشتار با مراجعه به متن اصلی منابع دسته اول ادیان زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام میزان انعکاس اصل این آموزه ی ضروری ادیان الهی را در کتاب های مقدسشان مورد کاوش قرار گرفته و از میان مسائل گسترده مرتبط با معاد - مانند برزخ، قیامت و مواقف آن، حسابرسی اعمال، جسمانی یا روحانی بودن معاد، تجسم اعمال، بهشت و جهنم و اوصاف آن - توصیفات و ویژگی های بهشت موعود را به صورت تطبیقی در کتاب های اوستا، تلمود، عهد عتیق، عهد جدید و قرآن کریم مورد بررسی قرار داده و نقش و جایگاه قرآن کریم را به عنوان تنها متن و حیانی مصون از تحریف و مَهِیْمِن بر سایر کتب آسمانی، مشخص شده است، لذا در این مقاله به دنبال پاسخ به دو مسأله و سؤال اصلی هستیم:

مسأله اول اینکه: آیا اصل وجود مسأله معاد، رستاخیز و جهان پس از مرگ در کتب اوستا، تلمود، عهدین و قرآن کریم - که نماینده ادیان زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام هستند - ذکر شده است؟ آیا اعتقاد به معاد صراحتاً از متن خود این کتاب های مقدس به دست می آید یا اینکه چنین اعتقادی ساخته ذهن عالمان پیرو این کتاب هاست؟ در صورت عدم وجود چنین اعتقادی، دلیل و علت چیست؟

مسأله دوم اینکه: اگر اعتقاد به معاد و جهان پس از مرگ در این کتب ذکر شده است، اوصاف و ویژگی های آن چگونه است؟ تفاوت ها، مشابهت ها و محدوده این اوصاف، به ویژه در رابطه با بهشت، چگونه است؟ کیفیت و حقیقت نعمت های بهشتی در این کتب چگونه بیان شده است؟ جایگاه و نقش قرآن کریم در مسأله معاد و توصیف بهشت، در مقایسه با سایر کتب آسمانی چگونه است؟

۱- معاد و اوصاف بهشت در اوستا و قرآن

«زرتشت»^۱ از مردم مشرق ایران و نخستین پیامبر یکتاپرست آریایی است و به گفته اکثر محققان این پیغمبر آریایی در ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد ظهور کرده است. او خط بطلان بر همه ی خدایان بی شمار «ودایی» کشید و آنان را از مقام الوهیت به درجه دیوی و ظلمت تنزل داد و به خدای یکتایی قائل شد که او را اهورامزدا یعنی دانای توانا می خواند(نک: مشکور، ۹۴-۹۷). او رسوم و مناسک آریان های قدیم را که مبتنی بر اعتقاد به سحر و جادو و بت پرستی بوده و رو به زوال می رفته، به کلی منسوخ کرده است(بی ناس، ۳۰۹).

بعضی تاریخ ظهور او را ۶۰۰ و برخی تا ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد دانسته اند. قول مشهور آنست که او ۶۶۰ سال پیش از میلاد پا به جهان گذاشته و سی سال بعد دعوی نبوت کرده و به سال ۵۸۳ ق.م در آتشکده بلخ به دست تورانیان کشته شده است(نک: توفیقی، ۵۷ و ۵۸؛ بی ناس، ۳۲۰).

کتاب آیین زرتشت یعنی اوستا در طول زمان توسط موبدان زرتشتی به خصوص تا دوره اسلام به آن اضافاتی شده و از صورت اولیه خود خارج شده است. ولی قسمتی که اثر مسلم زرتشت است «گاتها»^۱ [معادل فارسی آن: گاهان] یعنی قدیمی‌ترین قسمت کتاب اوستا است که اکنون در میان کتاب «یسنا» یکی از پنج کتاب باقی مانده از اوستا، جای دارد (مشکور، ۱۰۲). امروزه بیش از یک چهارم از دیگر بخش‌های اوستا در دست نیست (اوستا، پیشگفتار مترجم، صفحه پانزده).

در دین زرتشت عقیده به معاد به وضوح بیان شده است. جان بی ناس در کتاب «تاریخ جامع ادیان» دین زردشت را نخستین مذهبی می‌داند که در جهان از مسأله حیات عقبی و مسأله قیامت سخن به میان آورده و مسأله «آخرالزمان» را به مفهوم کامل خود مطرح کرده است (بی ناس، ۳۱۰). زرتشتیان به اموری مثل صراط، میزان اعمال، بهشت و جهنم نیز اعتقاد دارند (توفیقی، ۵۷ و ۶۲). در این دین اعتقاد بر این است که روح بعد از جدا شدن از بدن تا روز رستاخیز وارد عالم برزخ می‌شود؛ تا در روز رستاخیز به جسم خود بپیوندد (همانجا، ۵۷).

«واژه بهشت در اوستا به صورت «وهیشته آنهو» و در پهلوی به صورت «وهشت» و در فارسی به صورت بهشت گفته و نوشته می‌شود» (عفیقی، ۴۶۳). بهشت «جایگاه خوشی» و سرزمین اندیشه‌های سخن و پندارهای پسندیده است. آفتاب در آنجا هیچ‌گاه غروب نمی‌کند و «وهیشت»^۲ (یعنی بهترین جا) است. نیکوکاران در آنجا از برکات و طبیات روحانی برخوردارند و با یاران و همنشینان سعادت‌مند روزگار می‌گذارند (نک: مشکور، ۱۰۱؛ بی ناس، ۳۱۱).

قرآن کریم همین مضمون آخر را با تعبیری مشابه ولی زیباتر و دقیق‌تر چنین بیان می‌کند: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (النساء، ۶۹): یعنی: و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند.

بنابر اعتقاد زرتشتیان کسانی که کارهای نیک و بدشان برابر است در عالم همستکان^۳ [همیشه یکسان] یا اعرف یا برزخ خواهند ماند. روح و روان آدمی پیوسته صعود می‌کند تا به عالی‌ترین مرتبه‌ای می‌رسد که آن را «گروتمان»^۴ (یا «گرژمان» به معنی خانه نیایش یاروشنی بی پایان) می‌خوانند که به معنای عرش اعلای خداوند و خانه‌ی نعمات است (نک: مشکور، ۱۰۱).

در کتاب اوستا به رستگاران وعده داده شده است که در پایان سومین شب پس از مرگشان یکبار در میان انبوهی از گیاهان خوشبو چشم خواهند گشود و وزش نسیم نوازشگری را بر پوست تن خود احساس خواهند کرد که از جنوب، یعنی از سوی بهشت می‌وزد. باغ بهشت با یک نور ازلی به نام

۱. Gatha.

۲. Vahishta.

۳. Hamestakan.

۴. Garodman.

«خورنه»^۱ روشن است که همان روشنایی جاودانی ایزدی، پاینده‌ی فرّ پادشاهی و شکوفایی سرزمین است (فقیه، ۵۶۷).

طبق بیان اوستا ارواح تمام آدمیان چه خوب و چه بد باید از فراز پل جدا کننده «چینوات»^۲ (پل صراط^۳) عبور کند این پل بر روی دوزخ قرار دارد و یک طرف آن به دروازه بهشت منتهی می‌شود. هنگامی که جهان هستی به آخر برسد رستاخیز عام واقع خواهد شد؛ در آن روز خوبی‌ها و بدی‌ها را شمار خواهند کرد و برای امتحان بدکاران و نیکوکاران جایگاهی پر از آتش و آهن گذاخته به وجود می‌آید و بدان و زشتکاران را در آنجا خواهند افکند. بدان و اشرار جاویدان در آنجا مدام به سوز و گداز عقاب می‌شوند (بی ناس، ۳۱۰). در مقابل، در طرف دیگر پل چینوات، در بهشت برین جای دارد (مشکور، ۱۰۱)، لکن نیکان و ابرار، آتش را گوارا و مهربان می‌یابند و آن عنصر سوزان بر پیکر ایشان خوشتر و گواراتر از شیر می‌شود (بی ناس، ۳۱۰).

یک نمونه از شواهد چنین عقایدی^۴ در اوستا به صورت ذیل می‌باشد:

- «بدان هنگام که روزگار زندگی کسی سپری شود و بمیرد، دیوان بدکار دوزخی بر او می‌تازند. چون سومین شب بگذرد و بامداد پگاه پدیدار شود و روشنایی برآید ... دیوی که او را «ویزرش» خوانند، روان‌های دُرَوَندان^۵ تبهکار در گناه زیسته را فرو بسته می‌برد. روان دُرَوَندان تبهکار و نیکوکار، هر دو از راه زمان ساخته که به «چینودپل» می‌پیوندند، می‌گذرند. بر سر چینودپل - پل آهورایی مزدا آفریده - آنان پاداش کردارهای نیک جهانی را که پیش از آن برای جان و روان خویش به جای آورده‌اند می‌جویند» (وندیداد، فرگرد نوزدهم، بند ۲۸ و ۲۹).

مشابه چنین تعبیری در قرآن نیز وجود دارد:

«فَوَرَّبُّكَ لَنُحْشِرَنَّهُمْ وَ الشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا. ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا. ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا. وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا. ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» (مریم، ۶۸-۷۲): پس، به پروردگارت سوگند که آنها را با شیاطین محشور خواهیم ساخت، سپس در حالی که به زانو درآمده‌اند، آنان را گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد. آن گاه از هر دسته‌ای، کسانی از آنان را که بر [خدای] رحمان سرکش‌تر بوده‌اند، بیرون

۱. Xvarna.

۲. Chinvat.

۳. نظر به این که صراط در زبان عربی مشتقی ندارد، احتمال دخیل بودن آن قوی است. بسا صراط معرب «چینوات» بوده باشد. چون چنین مقوله‌ای فقط در دین زرتشت به چشم می‌خورد و در عهدین نیست. فقط در زرتشت از پلی سخن رفته است که بر روی جهنم بسته شده است. اساساً گفته‌اند، قرآن در باب قیامت بیش‌ترین شباهت را به زرتشت دارد و شباهت آن به یهود و نصاری بسیار اندک است. در عربی گاهی «چ» به «ص» تبدیل می‌شود؛ مثل چین به صین. نیز صراط به صورت سراد هم ضبط شده است و این با چینوات شباهت زیادی را به هم می‌رساند. بسا چینوات به صینوات و بعد صراط تبدیل شده باشد. البته صراط در قرآن هرگز به معنای پلی که بر روی جهنم بسته شده، به کار نرفته است؛ اما در روایات به کار رفته است.

۴. برای دیدن نمونه‌های دیگر نک: خُرده اوستا، آبان نیایش، بند ۸ و سی روزه‌ی بزرگ، بند ۳۰؛ گاهان، آهونودگاه، یسنه، ۳۰: ۴.

۵. دُرَوَند به معنای پیرو دروغ، گمراه از راستی و پاکی، زیان رسان، نادرست و تبهکار، ویرانگر و نابکار می‌باشد.

خواهیم کشید. پس از آن، به کسانی که برای درآمدن به [جهنم] سزاوارترند خود داناییم. و هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می‌گردد. این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است. پل صراط در روایات اسلامی، پلی است که بر روی جهنم کشیده شده، از مو باریکتر و از شمشیر تیزتر است (نک: کلینی، ۸/ ۳۱۲؛ صدوق، ۱۷۶).

مشابه قرآنی فراز پایانی تعبیر اوستا - مبنی بر اینکه نیکوکاران بر روی پل چینوات پاداش کردارهای دنیایی خود را می‌جویند - چنین است: «وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا» (کهف، ۴۹): و آنچه را انجام داده‌اند حاضر یابند.

در بخش‌های مختلف اوستا از بهشت با تعبیر کلی روشنایی، جایگاه آسایش و خوشی و بهترین زندگی تعبیر شده است. در ذیل به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

- «بهترین زندگی (بهشت)، روشنایی همه گونه آسایش بخش را می‌ستاییم» (ویسپرد، کرده هفتم، بند ۱).
- «آن کس که به سوی آشنون آید در آینده جایگاه او روشنایی خواهد بود» (گاهان، آهونودگاه، یسنه، ۳۱: ۲۰).

- «ای آذر آهوره مزدا! مرا آنچه کامروا سازد، ببخش! اکنون و تا ابد، بهشت آشنونان (درستکاران) و روشنایی همه گونه آسایش بخش، مرا ارزانی دار تا من به پاداش نیک و زندگی خوش رَدان رِسَم» (یسنه، ۶: ۶۲؛ برای موارد مشابه دیگر ن.ک: یسنه، ۱۹: ۶؛ یشتها، رشن یشت، بند ۳۶؛ خُرده اوستا، سی روزه‌ی بزرگ، بند ۲۷؛ وندیداد، فرگرد نهم، بند ۴۴).

در بخش‌هایی از قدیمی‌ترین سرودهای اهورائی زرتشت یعنی گاتها، مانند قرآن (ق، ۳۴؛ التوبه، ۲۲؛ النساء، ۱۳؛ آل عمران، ۱۹۸)، به مسأله جاودانگی بعد از مرگ در بهشت و جهنم، اشاره شده است:
- «روان آشنون (پیروان راستی) به جاودانگی و کامروایی خواهد پیوست و روان دُرَوَند (پیروان ناراستی)، به راستی همواره در رنج خواهد بود. این فرمان را «مزدا اهوره» با «شهریاری مینوی» خویش برنهاده است» (گاهان، اُشتودگاه، یسنه، ۴۵: ۷).

- «آنان که آموزش‌های مرا ارج بگزارند و پیروی کنند، به رسایی و جاودانگی خواهند رسید و با کردارهای «منش نیک»، به «مزدا اهوره» خواهند پیوست» (گاهان، اُشتودگاه، یسنه، ۴۵: ۵).

البته در سایر بخش‌های اوستا و کتب تفسیری و روایی زرتشتیان - مانند منابع و متن‌های اوستایی (هادخت نسک، ویشتاسب یشت، وندیداد)، پهلوی (دادستان دینی، مینوی خرد، بندهشن، ارداویرافنامه، روایت امید اشوهشتان) و دیگر منابع فارسی - جزئیات بیشتر درباره بهشت و جهنم و سرنوشت روح در دنیای پس از مرگ، با توصیفات نسبتاً کاملی آمده است که یک مورد را به عنوان نمونه بیان می‌کنیم:

بر اساس این متون جایگاه بهشت در آسمان است و تعداد طبقات آن برابر تعداد طبقات آسمان است و از لحاظ مرتبه متفاوتند؛ هر طبقه گروه خاصی از انسان‌ها را با توجه به میزان ثوابشان در خود جای می‌دهد (سرگلزایی، ۲۰۴). مثلاً در گرزمان، که عالیترین درجه بهشت و روشن‌ترین مکان است و اهورامزدا

و امشاسپندان (مقدسان بی مرگ) در آن جا مستقر هستند، روان‌ها بدین صورت هستند: روان‌های بخشنندگان مال بالاتر از همه‌ی روان‌ها بر تخت‌ها نشسته و لباس زربفت بر تن دارند و تاج جواهرنشان بر سر گذاشته‌اند، آن‌ها تا آن حد نورانی‌اند که گویی گوهر آن‌ها از الماس است؛ در جای دیگری روان سرایندگان «گاتها» و به پادارندگان دستوره‌ای دین با لباس‌های نورانی هستند؛ در سمتی دیگر روان‌های پادشاهان عادل، غرق جواهرند و با لباس‌هایی از نور و بسیار درخشنده دیده می‌شوند؛ در مکانی دیگر بزرگان و راست‌گفتاران، با شکوه و جلال و بسیار شادمان و زیبا هستند، چون در حیات دنیایی راستی را برگزیدند؛ و در جایی دیگر روان زنان نیک و فرمانبردار شوهر با پوششی آراسته از زر و سیم و گوهر آرام می‌گیرد؛ در طرف دیگری روان موبدان و هیربدان (معلم و روحانی زرتشتی) وجود دارد؛ و در سایر جاها روان‌های پاک ارتشداران، کُشندگان موجودات موذی (خرفُستران)^۱، کشاورزان، پیشه‌وران، شبانان، کدخدایان، دادگران ده، آموزگاران و ... ساکنند. بعضی با لباس‌های زیبا بر بسترها آرمیده‌اند (رداویرافنامه، فرگردهای ۱۲-۱۵).

در قرآن نیز چنین توصیفاتی از بهشت با اندک تفاوتی مطرح شده است: بهشتیان دارای لباس‌هایی از حریر (الحج، ۲۳؛ فاطر، ۳۳؛ الإنسان، ۱۲) و سندس و استبرق (الکھف، ۳۱؛ الدخان، ۵۳؛ الإنسان، ۲۱) می‌باشند و بر تخت‌ها تکیه زده‌اند (الطور، ۲۰؛ الرحمن، ۵۴ و ۷۶؛ الإنسان، ۱۳) و با دستبندهایی از طلا و مروارید و نقره (الکھف، ۳۱؛ الحج، ۲۳؛ فاطر، ۳۳؛ الإنسان، ۲۱) زینت داده شده‌اند. چنانچه مشاهده می‌شود با وجود توصیفات بسیار محدود اوستا از معاد و بهشت، این مسأله در سنت شفاهی زرتشت، بسیار شبیه به معاد مورد نظر اسلام است. و این خود قرینه‌ایست بر الهی بودن اصل دین زرتشت.

۲- معاد و اوصاف بهشت در اسفار پنجگانه تورات

با تأمل در پنج کتاب اول از عهد عتیق (= اسفار خمسه، تورات، کتاب‌های قانون) درمی‌یابیم که در این کتب سخنی از رستاخیز، جزا، بهشت و جهنم به میان نیامده؛ در سایر کتب عهد قدیم هم در مورد مرحله پس از مرگ تنها اشاراتی به عالم مردگان می‌باشد یعنی مکانی سرد و تاریک در دل زمین که قلمرو ظلمت و سکوت است (نک: مزامیر، ۴۹: ۱۹ و ۸۸: ۱۲ و ۱۱۵: ۱۷؛ کتاب ایوب، ۱۰: ۲۱-۲۲ و ۱۷: ۱۳-۱۶؛ کتاب جامعه، ۹: ۱۰).

محمد جواد مشکور در کتاب «خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ» در این باره می‌نویسد: «یهودیان بر خلاف مسلمین و مسیحیان اعتقاد روشنی به آخرت و روز جزا ندارند و سزا و جزای اعمالشان را بیشتر در این جهان می‌دانند^۲ و اعتقاد به قیامت و معاد که در دینشان ذکر شده از اعتقاد اولیه آنها نیست بلکه

۱. xrafstarān

۲. به عنوان مثال در سفر لاویان پادشاه و کثیر اعمال چنین بیان شده است: «اگر تمامی اوامر مرا اطاعت کنید به موقع برای شما باران خواهد فرستاد و زمینتان محصول فراوان خواهد داد و درختانتان میوه‌ی خوب خواهند داد و کوبیدن خرمن شما تا زمان رسیدن انگورتان ادامه خواهد داشت خوراک کافی خواهید داشت و در امنیت زندگی خواهید کرد و دشمن خود را دنبال خواهید کرد و همه را به شمشیر خواهید کشت و من نیز به شما التفات خواهم کرد و در میان شما خواهم خرامید و خدای شما خواهم بود و اگر فرائض مرا آنگونه که فرموده‌ام به جای نیاورید برایتان خوف و تب و امراض مهلک خواهم فرستاد و آسمانتان بی باران و زمینتان خشک خواهد شد و حیوانات وحشی را خواهم فرستاد تا فرزندانان را بکشند و حیواناتان را به

این عقیده را پس از آزادی ایشان از اسارت بابل به دست کوروش از نشست و معاشرت با ایرانیان زرتشتی فرا گرفتند» (نک: مشکور، ۱۳۴ و ۱۴۲؛ توفیقی، ۱۱۰).

حتی گروهی از یهودیان به نام «صدوقیان»^۱ (که الان منقرض شده‌اند) عقیده داشتند که با مردن جسم، روح نیز معدوم می‌شود و مرگ پایان موجودیت انسان است و دلیل این گروه بر انکار معاد این بود که در اسفار پنجگانه تورات ذکری از این موضوع به میان نیامده است (نک: کهن، ۳۶۲-۳۶۳؛ توفیقی، ۹۵-۹۶؛ انجیل متی، ۲۲: ۲۳). شومرونی‌ها یا سامره‌ای‌ها هم منکر اعتقاد به رستاخیز مردگان بودند و می‌گفتند: در تورات دلیل رستاخیز مردگان نیست (کهن، ۳۶۵).

البته این اعتقاد را دانشمندان یهود به شدت رد کرده و با زیرکی و استادی بسیار و با استناد به قسمت-هایی از تورات سعی کرده‌اند که نشان دهند در تورات به رستاخیز مردگان اشاره شده است. در ذیل به دو نمونه از این استنادات اشاره می‌شود:

نمونه اول: «ربان گملیل» از علماء و روحانیون یهود با استناد به آیه «بدانید که تنها من خدا هستم و خدای دیگری غیر از من نیست. می‌میرانم و زنده می‌سازم، مجروح می‌کنم و شفا می‌بخشم، و کسی نمی‌تواند از دست من برهاند» (تثنیه، ۳۱: ۳۹) از تورات برای صدوقیان دلیل بر رستاخیز می‌آورد و می‌گوید: «آیا می‌توان گفت که مردن برای یکی گفته شده و زنده شدن برای دیگری، همانطور که رسم معمول دنیا است (یکی می‌میرد و دیگری به دنیا می‌آید)؟ از این جهت در تورات در دنباله جمله فوق گفته شده «من مجروح کرده‌ام و خودم شفا خواهم داد». همانطور که مجروح شدن و شفا یافتن هر دو برای یک تن گفته شده است، همان‌گونه مردن و زنده شدن نیز هر دو درباره یک تن گفته شده است. پس این آیه ادعای کسانی را که می‌گویند موضوع رستاخیز مردگان در تورات نیامده است تکذیب می‌کند» (کهن، ۳۶۴، به نقل از "سنهدرین، ۹۰ب").

نمونه دوم: «ربی الیعزر بن ربی یوسه» در پاسخ به شومرونی‌ها در تفسیر آیه «آن جان البته منقطع خواهد شد و گناهِش بر وی خواهد بود» (اعداد، ۱۵: ۳۱) می‌گوید: عبارت «البته منقطع خواهد شد» یعنی در این جهان؛ پس عبارت «گناهِش بر وی خواهد بود» برای چه وقت گفته شده است؟ آیا برای جهان آینده نیست؟ (کهن، ۳۶۵، به نقل از "سنهدرین، ۹۰ب")؛ برای دیدن نمونه‌های بیشتر از چنین استناداتی رک: همان، ۳۶۳-۳۶۵).

حال سؤال این است که چطور در معتبرترین قسمت عهد عتیق یعنی اسفار پنجگانه تورات، از مسأله مهمی چون معاد که هر پیامبری باید به طور واضح برای مردم بیان کند، سخن صریحی به میان نیامده است؟

در پاسخ باید گفت: اولاً، به تصریح قرآن کریم (نک: البقرة، ۷۹؛ آل عمران، ۷۸) و شهادت تاریخ هیچ

هلاکت رسانند و آرد شما را از بین خواهم برد طوری که از شدت گرسنگی پسران و دختران خود را خواهید خورد و شمشیر را در عقب شما خواهم کشید...» (رک: سفر لایوان، ۲۶: ۳۲-۳۳)؛ برای نمونه‌های دیگر رک: مزامیر، ۱۰: ۱۶ و ۱۱-۶: ۷؛ کتاب ایوب، ۲۷: ۱۳-۲۳.

تردیدی وجود ندارد که کتب مقدس یهود و مسیحیت دچار تحریف شده است و اسفار پنجگانه تورات همان تورات واقعی که از طرف خدا بر حضرت موسی (ع) نازل شده، نمی‌باشد. این مطلب از طرف برخی از دانشمندان یهودی و مسیحی نیز مطرح شده است. به عنوان نمونه ابراهیم بن عزرا (۱۰۸۹ - ۱۱۶۴م) که خود مفسر تورات است می‌گوید: حضرت موسی (ع) نویسنده واقعی اسفار پنج‌گانه نمی‌باشد بلکه این کتاب باید قرن‌ها پس از حضرت موسی (ع) به دست فرد دیگری نوشته شده باشد و نیز اسپینوزا (۱۶۳۲ - ۱۶۷۷م) به موارد خاصی از تورات اشاره نموده و می‌گوید که این‌ها نمی‌تواند نوشته حضرت موسی (ع) باشد (نک: سلیمانی اردستانی، ۱۸۷-۱۹۳). علاوه بر این حمله بخت نصر (۶۳۴-۵۶۲ ق.م) به اورشلیم، کشتار و اسیر کردن بنی اسرائیل در بابل، به چاه انداختن و آتش زدن تورات و دیگر کتاب‌های پیامبران که در معبد هیکل در اورشلیم بوده‌اند (نک: ابن اسحاق، ۱/ ۶۵)، در تحریف این کتب تأثیر فراوان داشته است.

بنابراین اسفار پنج‌گانه مانند سنت نبوی هستند که توسط شاگردان و پیروان حضرت موسی (ع) در طول تاریخ به نگارش درآمده و در مواردی هم دچار تحریف شده است. ثانیاً، زمان بنی اسرائیل دوران ماده‌گرایی و عدم اعتقاد به ماوراء الطبیعه بوده است^۱ و حتی در تورات تحریف شده کنونی نیز روح انسان، خون او دانسته شده است؛ در کنار این گرایش‌های مادی حاکم بر بنی اسرائیل، که از افکار رومی‌های آن زمان و تحت تأثیر فلسفه یونانی نشأت گرفته بود، اعتقاد شدیدی به اسباب و مسببات عادی وجود داشت به طوری که عقیده داشتند که علت از معلول و لازم از ملزوم جدا شدنی نیست، و هیچ پدیده‌ای بدون سبب مادی یافت نمی‌شود، پس فرزند بدون پدر به دنیا نمی‌آید و انسان پس از مرگ زنده نمی‌شود، و اسباب طبیعی قادر به زنده کردن مرده نیست. لذا معجزات حضرت عیسی (ع) مبنی بر زنده کردن مردگان، و بیرون آوردن آنها از قبرهایشان، جهت ردّ چنین افکاری بوده است (ابو زهره، ۱۰). بنابراین دور از ذهن نیست که نویسندگان کتب عهد عتیق تحت تأثیر این افکار مادی سخنی از معاد به میان نیاورده باشند.

۳- معاد و اوصاف بهشت در عهد عتیق

با همه‌ی بی‌اعتنایی اسفار پنجگانه تورات به اصل مسأله معاد؛ در عهد عتیق اشاراتی آشکار به این موضوع دیده می‌شود، در کتاب دانیال و اشعیا نبی چنین آمده است:

- «تمام مردگان زنده خواهند شد، بعضی برای زندگی جاودانی و برخی برای شرمساری و خواری جاودانی» (دانیال، ۱۲: ۲)؛

- «اما مردگان قوم تو زنده شده، از خاک بر خواهند خواست؛ زیرا شب‌نم تو بر بدنهای ایشان خواهد نشست و به آنها حیات خواهد بخشید. کسانی که در خاک زمین خفته‌اند بیدار شده، سرود شادمانی سر خواهند داد» (اشعیا، ۲۶: ۱۹)؛

۱. قرآن کریم درباره دنیاگرایی بنی اسرائیل می‌فرماید: «وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَخْرَصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَسْرَكُوا يَوْمَ أُحُدٍ يُودُؤُا أَخْدَهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ...» (البقره،

- «خداوند می‌میراند و زنده می‌کند، به گور فرو می‌برد و برمی‌خیزاند» (اول سموئیل، ۲: ۶؛ برای نمونه های دیگر نک: تثنیه، ۳۲: ۳۹؛ اشعیا، ۲۶: ۱۹)؛ این جمله علاوه بر اصل رستاخیز، به معاد جسمانی نیز تصریح دارد؛ زیرا قبر، محل قرار گرفتن جسم انسان است که جسم با قرار گرفتن در آن به خاک تبدیل می‌شود، و گرنه قبر جایگاه روح نیست تا روح از آن برخیزد. این جمله هم معنا با این فرموده قرآن است که می‌گوید: «أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ» (الحج، ۷).

مورد بسیار صریح‌تر در مورد معاد جسمانی در کتاب حزقیال نبی آمده است:

- «ای استخوان‌های خشک به کلام خداوند گوش دهید! او می‌گوید من به شما جان می‌دهم تا دوباره زنده شوید. گوشت و پی به شما می‌دهم و با پوست شما را می‌پوشانم. در شما روح می‌دمم تا زنده شوید. آنگاه خواهید دانست که من خداوند هستم» (حزقیال، ۳۷: ۴-۶).

علاوه بر مطالب گفته شده، از خود قرآن کریم نیز استفاده می‌شود که یهودیان به معاد اعتقاد داشته‌اند، چنانکه در هیچ آیه‌ای به صورت روشن انکار معاد به یهودیان نسبت داده نشده است، بلکه در مقابل با صراحت در آیات فراوانی از عقیده آنان، نسبت به معاد صحبت به میان آمده و حتی گاه از جزئیات اعتقادات آنان نسبت به بحث نجات از عذاب و ... سخن گفته شده است (برای نمونه ن.ک: البقرة، ۸۰ و ۹۴ و ۱۱۱).

با وجود اینکه اصل مسأله جهان پس از مرگ در عهد عتیق به صورت صریح ذکر شده است ولی هیچ گونه توصیفی از خصوصیات بهشت و نعمت‌های آن ذکر نشده است.

۴- معاد و اوصاف بهشت در عهد جدید و مقایسه آن با قرآن

در عهد جدید مسأله معاد و رستاخیز نسبت به عهد عتیق به طور صریح‌تر و با توصیفات بیشتری ذکر شده است:

- «از مرگ ترسی نداریم، بلکه از آن استقبال می‌کنیم، چون می‌دانیم که پس از مرگ نزد خداوند رفته، در خانه آسمانی‌مان به سر خواهیم برد» (دوم قرنتیان، ۵: ۸)؛

- «(بعد از مرگ) هر یک از ما نتیجه‌ی اعمالی را که در این زندگی انجام داده است، خواهد دید، چه نیک چه بد» (دوم قرنتیان، ۵: ۱۰)؛ مشابه آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ. وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (الزلزلة، ۷-۸).

- در انجیل لوقا حضرت عیسی (ع) به فرد دزدی که از کار خود پشیمان بود و در کنار او به صلیب کشیده شده بود گفت: «خاطر جمع باش که تو همین امروز با من در بهشت خواهی بود!» (انجیل لوقا، ۲۳: ۴۳).

در عهد جدید به مسأله جسمانی بودن معاد نیز اشاره شده است:

- «اگر روح خدایی که عیسی مسیح را پس از مرگ زنده کرد، در وجود شما باشد، همان خدا بدن‌های فانی شما را نیز پس از مرگ به وسیله همین روح که در وجود شماست، زنده خواهد کرد» (رومیان، ۸: ۱۱).

از مسأله بهشت در عهد جدید به صورت کلی و بیشتر با تعبیر زندگی جاوید سخن گفته شده است:

- «وقت آن فرا رسیده که تمام مرده‌ها در قبر صدای مرا شنوند و از قبر بیرون بیایند، تا کسانی که خوبی کرده اند، به زندگی جاوید برسند، و کسانی که بدی کرده‌اند محکوم گردند» (انجیل یوحنا، ۵: ۲۸-۲۹؛ برای نمونه های دیگر نک: انجیل متی، ۲۵: ۴۶ و ۱۹: ۲۹؛ یوحنا، ۳: ۱۴-۱۵ و ۴: ۱۴ و ۶: ۳۹؛ انجیل لوقا، ۱۸: ۲۹-۳۰؛ اول یوحنا، ۲: ۲۴-۲۵؛ رومیان، ۶: ۲۲-۲۳).

انجیل متی در تعبیری مشابه با تقسیم بندی اصحاب یمین و شمال ذکر شده در قرآن، از نعم بهشت به طور سر بسته و با تعبیر «برکات ملکوت خدا»، و از عذاب جهنم با تعبیر «آتش ابدی» نام می‌برد:

- «هنگامی که من، مسیح موعود، باشکوه و جلال خود و همراه با تمام فرشتگانم بیایم، آنگاه بر تخت با شکوه خود خواهم نشست. سپس تمام قوم‌های روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد همانطور که یک چوپان، گوسفندان را از بزها جدا می‌کند. آنگاه به عنوان پادشاه به کسانی که در طرف راست من هستند، خواهم گفت: بیایید ای عزیزان پدرم! بیایید تا شما را در برکات ملکوت خدا سهیم گردانم، برکاتی که از آغاز آفرینش دنیا برای شما آماده شده بود... سپس به کسانی که در طرف چپ من قرار دارند، خواهم گفت: ای لعنت شده‌ها از اینجا بروید و به آتش ابدی داخل شوید که برای شیطان و ارواح شیطانی آماده شده است» (انجیل متی، ۲۵: ۳۱-۴۱).

نکته جالب اینکه در عهد جدید در مورد نعمت های بهشت تعبیری آمده که بسیار شبیه این سخن رسول اکرم (ص) در مورد نعمت‌های بهشتی است که می‌فرماید: «برای بندگان صالح و شایسته‌ام در بهشت نعمت هایی آماده کرده‌ام که نه چشمی آن را دیده و نه گوشی آن را شنیده و حتی بر قلب انسانی خطور نکرده است» (طوسی، ۶: ۲۲؛ صدوق، ۱/ ۲۹۵ و ۴/ ۱۷).

مشابه این تعبیر را در نامه اول پولس به ایمان‌داران کلیسای قرنتس می‌بینیم: «کتاب آسمانی می‌فرماید: خدا برای دوستداران خود چیزهایی تدارک دیده است که هیچ انسانی هرگز ندیده، نشنیده و به فکرش نیز خطور نکرده است» (اول قرنتیان، ۲: ۹).

در مورد حقیقت نعمت های بهشت در عهد جدید قرینه های دیگری نیز وجود دارد:

- پولس در نامه دوم خود در بیان رویای خود می‌گوید: «چهارده سال پیش به آسمان برده شدم. از من نپرسید که جسمم به آنجا رفت یا روحم؛ خود نیز نمی‌دانم؛ فقط خدا می‌داند. به هر حال خود را در بهشت دیدم. در آنجا چیزهایی حیرت انگیز و غیر قابل وصف شنیدم که اجازه ندارم درباره آنها به کسی چیزی بگویم» (دوم قرنتیان، ۱۲: ۲-۴).

- «اگر چنین کنید، از آرامش خدا بهره مند خواهید شد، آرامشی که فکر انسان قادر به درک آن نیست. این آرامش الهی به فکر و دل شما که به عیسی مسیح ایمان آورده اید، راحتی و آسایش خواهد بخشید» (رساله پولس به فیلیپیان، ۴: ۷).

- «آنچه اکنون می‌بینیم و می‌دانیم، تار و مبهم است؛ اما روزی همه چیز را واضح و روشن خواهیم دید، به همان روشنی که خدا اکنون قلب ما را می‌بیند» (اول قرنتیان، ۱۳: ۱۲).

آگوستین قدیس (۳۵۴-۴۳۰م) فیلسوف و مفسر کتاب مقدس در توضیح چنین سخنانی در عهدین، ضمن بیانی در مورد شغل و کاری که قدیسان در جهان آینده دارند، چنین می‌گوید:

«حقیقت این است که من نمی‌توانم ماهیت آن کار، بلکه آن استراحت و آسودگی را بفهمم؛ زیرا آن وضعیت هرگز در محدوده‌ی حواس جسمانی من نبوده است. واگر بخواهم از ذهن و فهم خودم سخن بگویم، فهم من در قیاس با آن کمال بی‌مانند چیزی به حساب نمی‌آید، زیرا در آن هنگام «آرامش خدا» وجود خواهد داشت که به گفته رسول، «فوق تمامی عقل است»؛^۱ ... باید بگویم که مقصود وی این است که نه ما و نه هیچ یک از فرشتگان نمی‌توانیم آرامش مذکور را که به خود خدا تعلق دارد، به گونه‌ای که خدا می‌فهمد، بفهمیم. پس آن آرامش فوق‌همه‌ی فهم‌هاست، البته به استثنای فهم او. ولی ما در حد توانمان در آرامش او سهمی داریم؛ از این رو، با هر معیاری که برای کمال داشته باشیم، از کمال آرامش او در خودمان با خبریم: آرامش میان خودمان و آرامش با همسایه و آرامش با او. همچنین فرشتگان مقدس از آن آرامش در حد توان خودشان باخبرند؛ ولی انسان‌ها در وضع کنونی، هر قدر هم تعقلشان رشد کرده باشد از آن بسیار بی‌خبرند. زیرا ما باید به یاد بیاوریم که چه انسان بزرگی گفته است: «جزئی علم داریم و جزئی نبوت می‌نماییم، تا هنگامی که کامل آید»^۲ و «الحال در آینه به طور معما می‌بینیم، لیکن آن وقت روبه‌رو»^۳ (آگوستین، ۱۰۹۹-۱۱۰۰).

قرآن در تعبیری مشابه سخنان پولس و آگوستین، در مورد نعمت‌های بهشتی می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (السجده، ۱۷): هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان شده است. تعبیر «جزئی علم داریم» (اول قرنیتان، ۱۳: ۹) در عهد جدید نیز، مشابه آیه: «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (الإسراء، ۸۵) می‌باشد. توضیح اینکه این آیه به قرینه سیاق در رابطه علم و اطلاع اندک ما از امور غیبی‌ای همچون «روح» سخن می‌گوید و از آنجا که بهشت و جهان آخروی نیز از امور غیبی می‌باشد و در آیه «جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا» (مریم، ۶۱) بدان تصریح شده؛ به نوعی تفسیر آگوستین از کتاب مقدس را - مبنی بر علم اندک ما نسبت به جهان بعد از مرگ - تأیید می‌کند.

نمونه‌ای دیگر از توصیفات عهد جدید از بهشت در مکاشفه یوحنا دیده می‌شود:
- «آنان از این پس از گرسنگی و تشنگی و گرمای سوزان نیمروز در امان خواهند بود» (مکاشفه یوحنا، ۷: ۱۶).

در بهشت موصوف قرآن نیز گرسنگی و تشنگی وجود ندارد و در آن جا انواع میوه‌ها (نک: الرحمان،

۱. رساله پولس به فیلیپیان، ۴: ۷ «اگر چنین کنید، از آرامش خدا بهره‌مند خواهید شد، آرامشی که فکر انسان قادر به درک آن نیست. این آرامش الهی به فکر و دل شما که به عیسی مسیح ایمان آورده‌اید، راحتی و آسایش خواهد بخشید».

۲. اول قرنیتان، ۱۳: ۸-۹ «همه عطایایی که خدا به ما می‌بخشد، روزی به انتها خواهد رسید. نبوتها، سخن گفتن به زبانها و دانستن علم و اسرار، روزی پایان خواهد پذیرفت. اما محبت تا ابد باقی خواهد ماند و از میان نخواهد رفت. درحال حاضر، با وجود تمام این عطایا، علم و نبوت‌های ما جزئی و نارساست اما زمانی که از هر جهت کامل شدیم، دیگر نیازی به این عطایا نخواهد بود و همه از بین خواهند رفت».

۳. اول قرنیتان، ۱۳: ۱۲: «آنچه اکنون می‌بینیم و می‌دانیم، تار و مبهم است؛ اما روزی همه چیز را واضح و روشن خواهیم دید، به همان روشنی که خدا اکنون قلب ما را می‌بیند».

۶۸؛ الواقعة، ۲۹ و ۳۲؛ الأنبياء، ۳۱ و ۳۲؛ الأنعام، ۹۹)، گوشت (نک: الطور، ۲۲؛ الواقعة، ۲۱) و نوشیدنی های بهشتی (نک: ص، ۵۱؛ الإنسان، ۱۷ و ۲۱؛ محمد، ۱۵؛ المطففين، ۲۵-۲۶؛ الواقعة، ۱۸) وجود دارد. قرآن در تعبیری جامع تر و زیبا علاوه بر نفی گرمای سوزان در بهشت سرمای سخت را هم نفی می کند و می فرماید: «لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا» (الإنسان، ۱۳).

۵- معاد و اوصاف بهشت در تلمود

کلمه «تلمود»^۱ به معنای آموزش از فعل ثلاثی عبری «لامد» یعنی «یاد داد» می آید و با واژه «تلمیذ» و مشتقات آن - که در زبان عربی رباعی هستند - ارتباط دارد. تلمود کتاب بسیار بزرگی است که احادیث و احکام یهود و فتاوی فقیهان این قوم را در بر دارد. تلمود نماد عقلانیت، تفکر، اجتهاد، فقه، کلام و در یک کلمه سمبل ادبیات دینی یهود است (سالتر، ۵). به عبارت دیگر تلمود شریعت شفاهی یهودیان، احادیث و احکام یهود و فتاوی فقیهان این قوم است (همان، ۱۵).

در این کتاب چنین آمده است: «کسی که به رستاخیز مردگان معتقد نباشد و آن را انکار کند از رستاخیز سهمی نخواهد داشت» (کهن، ۳۶۲، به نقل از "سنهدرین، ۹۰ الف").

پاره ای از شواهد دیگر در تلمود بر وجود معاد، بهشت و جهنم به شرح ذیل است:

- «پیش از آن که عالم هستی به وجود آید، هفت چیز آفریده شد: تورات، توبه، باغ عدن (بهشت)، جهنم، اورنگ جلال الهی، بیت همیقداش و نام ماشیح» (کهن، ۳۵۲، به نقل از "پساحیم، ۵۴ الف").

حتی در تلمود بر امکان رستاخیز احتجاج شده است، چنانکه دختر ربان گملیل از روحانیان یهود در پاسخ کافری که زنده شدن مردگان خاک شده را انکار می کرد، گفت:

- «خداوند که انسان را از یک قطره مایع به وجود می آورد، به طریق اولی که می تواند او را بار دیگر از خاک و گل به وجود آورد» (نک: کهن، ۳۶۶، به نقل از "سنهدرین، ۹۰ ب، ۹۱ الف").

با استدلالی مشابه «گویها بن پسیا» یکی از علمای یهود در پاسخ یکی از صدوقیان که زنده شدن دوباره مردگان را انکار می کرد، چنین می گوید:

- «می گوئید مردگان بار دیگر زنده نخواهند شد آن ها که وجود نداشتند، به وجود آمدند و زنده شدند. پس مردگانی که قبلاً زنده بودند به طریق اولی که بار دیگر زنده خواهند شد» (کهن، ۳۶۶، به نقل از "سنهدرین، ۹۱ الف").

مشابه چنین استدلال هایی در قرآن چنین است:

- «كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» (الأعراف، ۲۹)؛ «أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ. وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ» (یس، ۷۷-۷۸)؛ «وَ هُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ هُوَ

۱. تلمود (Talmud) عبارت از احادیث و شریعت شفاهی است که در معابد به مردم تعلیم داده می شده است و در سال ۲۱۶ میلادی توسط دانشمند یهودی بنام رابی یهودا هناسی همراه یکصد تن از علماء یهود جمع آوری شد و «میشنا» نامیده شد، چون کتاب میشنا نیاز به شرح داشت علمای یهود بر آن شرحی زدند به نام «گمارا» یا «جمارا» از ترکیب گمارا با میشنا کتاب بزرگی در بیان عقاید یهودیت به وجود آمد که معروف است به «تلمود». در واقع تلمود تفسیرهایی است که دانشمندان و علمای طراز اول یهود، طی قرون و اعصار بر آیه های تورات نوشته اند (برای توضیحات بیشتر در مورد تلمود رک: کهن، ۱-۲۶؛ سالتر، ۲۱-۱۰۳؛ مشکور، ۱۴۰-۱۴۱).

أَهْوَنُ عَلَيْهِ» (الروم، ۲۷)؛ «أَفَعَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ» (ق، ۱۵).

در قرآن کریم به شیوه های دیگر و روشن تری هم بر مسأله معاد استدلال شده است: سخت تر نبودن زنده کردن مردگان از آفرینش آسمان ها و زمین (الأحقاف، ۳۳)؛ زنده شده زمین و گیاهان بعد از خشکی و مردن (الروم، ۵۰)؛ زنده شدن دوباره عزیز (البقرة، ۲۵۹)؛ بیدار شدن اصحاب کهف بعد از ۳۰۹ سال (الکهف، ۱۱ و ۲۵)؛ زنده شدن چهار پرنده به دست حضرت ابراهیم (ع) بعد از مرگ (البقرة، ۲۶۰). مشابه شواهدی که بر عدم درک نعمت های بهشتی در عهد جدید و سخنان پولس و آگوستین گفته شد، در تلمود می خوانیم:

- «تمام افراد ملت اسرائیل نزد موسی جمع شده و به وی گفتند: ای سرور ما موسی بما بگو که ذات قدوس متبارک چه خوبیها و نعمت هایی را در جهان آینده نصیب ما خواهد کرد؟ او به آنها پاسخ داد: من نمی دانم به شما چه بگویم؛ لکن بواسطه آنچه که برای شما آماده شده است شما خوشبخت خواهید بود» (کهن، ۳۷۰، به نقل از "سیفره دواریم، ۳۵۶، صفحه ۱۴۸ ب").

با وجود سکوت عهد عتیق در مورد مصادیق و ویژگی نعمت های آخروی، دانشمندان یهود پاره ای از تصورات و عقاید خود را از جهان آینده در تلمود چنین نقل کرده اند:

- «جهان آینده مانند جهان کنونی نیست. در جهان آینده نه خوردن هست و نه آشامیدن، نه زاد و ولد است و نه داد و ستد، نه حسد هست و نه کینه و رقابت، بلکه عادلان و نیکوکاران بر تخت نشسته و تاج های خود را بر سر دارند، و از فروغ و شکوه شخینا (نور جلال الهی) لذت می برند» (همان، ۳۷۱، به نقل از "بِراخوت، ۱۷ الف").

در تلمود بهشت و جهنم هر کدام دارای هفت طبقه معرفی شده اند:

- «هر کدام از ارواح هفت گروه مردمی که در باغ بهشت هستند برای خود محل و مسکنی جداگانه دارند. در مقابل در جهنم نیز هفت اشکوب برای ارواح شریران و بدکاران وجود دارد» (همان، ۳۸۴، به نقل از "میدراش تهیلیم، مربوط به آیه ۷ از مزمو ۱۱ مزامیر داود، صفحه ۵۱ الف").

طبق تفسیر تلمودی بهشت هم مانند جهنم دارای هفت طبقه است که هفت دسته از نیکوکاران و عادلان در آن سکنی دارند و «به هر فرد عادل و نیکوکار منزلی در گن [باغ] عدن می دهند که مناسب با شأن و منزلت اوست» (همان، ۳۸۸، به نقل از "شبات، ۱۵۲ الف"). مفسران کتاب مقدس در تلمود، طبقات هفت گانه بهشت را به ترتیب از طبقات بالاتر تا پایین ترین طبقه را از مزامیر داود استنباط کرده اند (ن.ک: همان، ۳۸۷-۳۸۸، به نقل از "سیفره دواریم، ۱۰، صفحه ۶۷ الف").

چنانکه پیش تر گذشت در کتب تفسیری زرتشت هم طبقات بهشت به اندازه طبقات آسمان یعنی هفت طبقه معرفی شده است.

در قرآن کریم در آیه «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا» (الزمر، ۷۳) سخن از ابواب بهشت شده است و در روایات فراوانی این باب ها همان ابواب هشتگانه بهشت معرفی

شده اند (نک: قمی، ۱ / ۳۷۶؛ صدوق، ۶۶ و ۵۳۵) که اشاره به طبقات بهشت دارند^۱. وجود هشت طبقه برای بهشت در مقابل هفت طبقه ی جهنم که در آیه «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ. لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ» (الحجر، ۴۳-۴۴) بدان اشاره شده است، نشان دهنده پیشی گرفتن رحمت خداوند بر غضب اوست، چنانکه در فراز نوزدهم از دعای جوشن کبیر می خوانیم: «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ». این نکته ی زیبای قرآن را در کتب زرتشت، عهدین و تلمود مشاهده نمی کنیم.

به گفته تلمود ارواح کسانی که در طی زندگی در این جهان وقت و نیروی خود را صرف و وقف دانش تورات کرده اند در باغ عدن مقام و منزلتی شامخ خواهند داشت:

- «ربان یوحنا بن به ربی یوسه کاهن گفت: در خواب دیدم که من و تو بالای کوه سینا نشستیم و تکیه کرده ایم و یک بت قول (منادی آسمانی) از آسمان ندا در داد و به ما گفت: به اینجا صعود کنید، به اینجا صعود کنید. بسترهای عالی و زیبا برای شما آماده و گسترده است. شما و شاگردان شما و شاگردان شاگردان شما دعوت دارید که جزو دسته سوم (از مردم اهل بهشت) باشید» (کهن، ۳۹۰، به نقل از "حگیگا، ۱۴ ب").

بالا بودن درجه و منزلت عالمان در بهشت در قرآن نیز ذکر شده است: «يَرْزُقُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (المجادله، ۱۱).

در تلمود توصیفات جزئی تر از نعم بهشت به صورت ذیل مشاهده می شود:

- «در جهان آینده ذات قدوس متبارک ضیافتی از گوشت لویاتان^۲ برای عادلان و نیکوکاران ترتیب خواهد داد ... در جهان آینده ذات قدوس متبارک سایبانی از پوست لویاتان جهت عادلان و نیکوکاران خواهد ساخت» (کهن، ۳۸۹، به نقل از "باوآترا، ۷۵ الف")؛

- نوشابه ی آنها در این ضیافت «شرابی خواهد بود که از شش روز خلقت [اولیه]، در انگور محفوظ باقی مانده است» (همان، ۳۸۹، به نقل از "بِراخوت، ۳۴ ب").

این توصیفات از گوشت لویاتان و شراب انگور در بهشت موصوف تلمود در حالی است که در جای دیگر تلمود گفته شده «در جهان آینده نه خوردن هست و نه آشامیدن» (همان، ۳۷۱، به نقل از "بِراخوت، ۱۷ الف").

در قرآن کریم گوشت و نوشیدنی یکی از نعمت های بهشتی خوانده شده است ولی نه محدود به یک گوشت خاص مثل گوشت لویاتان، بلکه هر گوشتی که بخواهند: «وَأَمْسَدْنَا لَهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ» (الطور، ۲۲)؛ و نه شراب انگور بلکه نوشیدنی و شرابی پاک که توسط خداوند به آنها نوشانده می شود: «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (الإنسان، ۲۱). از آن جا که در بهشت خورشید وجود ندارد: «لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا» (الإنسان، ۱۳)، قرآن بر خلاف تلمود بهشتیان را محتاج به سایه بان معرفی نمی کند و سایه بهشت را دائمی می داند: «وَوَظِلٌّ مِّمْدُودٌ» (الواقعة، ۳۰)؛ «أَكْلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا» (الرعد، ۳۵).

۱. در مورد اینکه ابواب بهشت و جهنم در قرآن اشاره به همان طبقات بهشت و جهنم می باشد نک: طباطبایی، ۱۲ / ۱۷۰.

۲. «Leviathan»، نوعی جانور دریایی، ازدهای دریایی، نهنگ، نک: اشعیا، ۲۷؛ ۱؛ مزامیر، ۷۴: ۱۴ و ۱۰۴: ۲۶.

طبق گفته تلمود عالی ترین لذتی که ارواح عادلان و نیکوکاران در باغ عدن از آن بهره مند خواهند شد، بودن آنها در حضور خداوند است:

«در جهان آینده ذات مقدس متبارک ضیافتی برای عادلان و نیکوکاران در گن عدن ترتیب خواهد داد... در آن هنگام فرزندان اسرائیل به حضور ذات قدوس متبارک چنین عرض خواهند کرد: آیا ممکن است میزبانی برای میهمان خویش ضیافتی ترتیب دهد، و خود نزد آنها ننشیند؟... و در آن لحظه او به گن عدن نزول اجلال خواهد فرمود» (کهن، ۳۸۹، به نقل از "میمدبار ربا، ۱۳: ۱۲").

در قرآن کریم نیز چنین مقامی با تعبیری چون لقاء (الکهف، ۱۱۰؛ الأنعام، ۱۵۴) و حضور در نزد خداوند (القمر، ۵۴-۵۵؛ آل عمران، ۱۶۹)، ذکر شده است.

۶- معاد و اوصاف بهشت در قرآن کریم

در بحث های گذشته و ضمن مقایسه تطبیقی معاد و اوصاف بهشت در قرآن با اوستا، عهدین و تلمود به استدلال های قرآن بر معاد و پاره ای از توصیفات بهشت اشاره شد. در اینجا به پاره ای دیگر از آنها خواهیم پرداخت.

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی و وحی الهی مصون از خطا و تحریف، مسأله زندگی پس از مرگ را به صورت صریح بیان کرده است و آیات بسیاری دلالت دارند بر اینکه با مرگ و از بین رفتن جسم مادی، زندگی انسان خاتمه نمی یابد و انسان برای حسابرسی اعمال و ورود به بهشت یا جهنم، دوباره برانگیخته می شود (برای نمونه: نک: التباين، ۷؛ الإسراء، ۱۰). این مسأله به طور متعادل و در سراسر قرآن پراکنده است و مربوط به سوره ها و یا دوره زمانی خاصی نیست.

در قرآن اوصاف و ویژگی های بهشت به روشنی و با جزئیات بسیار ذکر شده است. از جمله: نوشیدنی های بهشتی، درختان و میوه های بهشتی، زنان و همسران بهشتی، غرفه ها و محل سکونت بهشتیان، وسایل استراحت بهشتیان، لباسهای بهشتیان، ظروف بهشتیان، زیورهای بهشتی، درجات و مقامات بهشتی و ... طبق گفته قرآن آخرت بر خلاف دنیا یکپارچه حیات است، و زمین، درختان، میوه ها، اعضا و جوارح انسان و حتی آتش آنجا فهم و درک دارد: «إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» (العنكبوت، ۶۴).

خداوند علاوه بر این نعمت ها، از نعمت های روحی و معنوی فراوانی - که محدود به هیچ زمان، مکان و مخاطب خاصی نمی باشد- نیز به فراخور درک و ظرفیت بشر سخن گفته است، که قابل مقایسه با هیچ یک از نعمت های مشابه دنیایی نیستند. از جمله: رضا و خشنودی خداوند (التوبة، ۲۱ و ۷۲؛ الحديد، ۲۰؛ آل عمران، ۲۱)، سلام و درود خداوند و برگزیدگان الهی (یس، ۵۸؛ الأعراف، ۴۶؛ النحل، ۳۲؛ الزمر، ۷۳؛ الرعد، ۲۴)، نبودن هیچ گونه ترس و اندوه در بهشت (الأعراف، ۴۹؛ الزخرف، ۶۸)، سرور و شادمانی (الزخرف، ۷۰؛ یس، ۵۵) جاودانگی و خلود در بهشت (ق، ۳۴؛ التوبة، ۲۲؛ النساء، ۱۳؛ آل عمران، ۱۹۸)، مغفرت و رحمت الهی (النساء، ۹۶؛ آل عمران، ۱۳۳ و ۱۳۶؛ التوبة، ۲۱)، همنشینی با اولیا و فرشتگان (النساء، ۶۹) و از همه برتر لقاء و دیدار پروردگار (الکهف، ۱۱۰؛ القيامة، ۲۳؛ القمر، ۵۵).

آگوستین اندیشمند مسیحی نیز در تعبیری مشابه غایت و خیر اعلای شهر خدا را «آرامش در حیات

ابدی» یا «حیات ابدی در آرامش» معرفی می کند (آگوستین، ۸۸۳) و می گوید هر کس از نعمت های دنیا که برای آرامش انسان های فانی فراهم شده است درست استفاده کند نعمت های بزرگ تر و بهتری دریافت خواهد کرد که عبارت است از آرامش جاودانگی، و جلال و افتخار مناسب با آن در زندگی جاویدی که در بهره مندی از خدا و بهره مندی از یکدیگر در خدا سپری خواهد شد (همان، ۸۸۹). سعادت و حیات مردمان در شهر مقدس و آسمانی، خودِ خداست که حکم معاش و غذای آنان را دارد (نک: همان، ۱۰۴۱).

۶-۱- پاسخ به یک شبهه

شبهه ای مطرح شده است مبنی بر اینکه نعمت های بهشت با معهودات ذهنی عرب، عناصر فرهنگی و محدوده تاریخی و جغرافیایی عصر نزول کاملاً همخوانی دارد و در واقع توصیفات قرآن از بهشت بیان آن چیزی است که عرب آرزوی آن را داشته است (نک: صغیر، ۳۸۱ و ۳۸۲؛ ایازی، ۱۶ و ۴۷). در پاسخ باید گفت:

اولاً، چنانکه در بررسی تطبیقی بین توصیفات بهشت در قرآن کریم و کتب مقدس اوستا، عهدین و تلمود مشاهده نمودیم، چنین توصیفات از بهشت اختصاص به قرآن ندارد و در کتب مقدس سایر ادیان نیز ذکر شده است.

ثانیاً، خداوند حکیم با توجه به هدف هدایتی خود از نزول قرآن؛ سطح مخاطبان اولیه، شرایط فرهنگی و نیازهای آنها را در نظر گرفته و متناسب با آن گوشه‌ای از نعمت‌های نامحدود بهشت را که برای آنان قابل درک بوده توصیف کرده و در عین حال از مرز واقع‌گویی نیز خارج نشده است. خود قرآن در آیات زیادی به این واقعیت اشاره دارد که نعمت‌های بهشتی محدود به این توصیفات نیست. قرآن کریم در عباراتی صریح‌تر بیان می‌کند که در بهشت هرچه بخواهند فراهم است: «لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ» (النحل، ۳۱؛ الفرقان، ۱۶)، «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ» (ق، ۳۵)، «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (الزمر، ۳۴؛ الشوری، ۲۲)، «لَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» (محمد، ۱۵)، «فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ» (فصلت، ۳۱)، «هُمْ فِي مَا اسْتَهْتُوا أَنْفُسَهُمْ خَالِدُونَ» (الأنبياء، ۱۰۲)؛ «فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ» (الزخرف، ۷۱).

همچنین قرآن سخن از نعمت‌های دیگری مطرح می‌کند که از دسترس فهم و ادراک بشر (چه بشر عصر نزول و چه بشر کنونی) خارج است و خرد را توان تعقل آنها نیست و هیچ کس بر آنها آگاهی ندارد: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (السجدة، ۱۷): هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان شده است. البته باید دقت کرد که این آیه تفریع اوصاف و اعمالی است که در آیات قبل از آن بیان شده است (نک: طباطبایی، ۱۶/۲۶۳). با توجه به سیاق آیات که در مورد اعمالی چون تسبیح و ستایش خداوند در سجده، سحرخیزی، نماز شب و کمک به محرومان می‌باشد، باید گفت: آیه اشاره دارد به اینکه هیچ کس از نعمت‌هایی که برای چنین مؤمنانی «لَهُمْ» پنهان شده، آگاهی ندارد، نه اینکه هیچ کس، هیچ اطلاعی از هیچ یک از نعمت‌های بهشت ندارد.

۶-۲ ماهیت و حقیقت بهشت و نعمت های آن از منظر قرآن

قرآن کریم درباره ماهیت و حقیقت بهشت و امور غیبی پس از مرگ، دو شاخصه مهم برای ما بیان می کند که می تواند در فهم بهتر آیات مربوط به جهان پس از مرگ راهگشا باشد:

شاخصه اول اینکه آیات بهشت و اوصاف آن از امور متشابه است. توضیح اینکه در مورد مصادیق آیات متشابه که در آیه ۷ سوره آل عمران به آن اشاره شده است اقوال گوناگونی چون آیات منسوخه، آیات قیامت، آیات مجمل، آیات صفات و افعال پروردگار، آیات نیازمند به تأمل ژرف و ... گفته شده است. گذشته از اختلاف مفسران در این زمینه، قدر مُتَيَّنِّينَ این است که آیات قیامت از آیات متشابه است. حتی بعضی معتقدند که آیات متشابه انحصار به آیات قیامت دارد (نک: نکونام، ۳۹-۶۶).

تشابه آیات مربوط به بهشت از این جهت می باشد که علاوه بر اطلاع از نعمت هایی که خداوند در توصیف بهشت معرفی کرده است، مصداق و واقعیت خارجی آن ها (تأویل آن ها) برای ما روشن نیست و از تیررس معرفت ما خارج است، بنابراین نباید به دنبال تأویل چنین اموری که محل ظهور و بروز آن ها قیامت است «يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ» (الأعراف، ۵۳)، باشیم. به عبارت دیگر مدلول لفظی آیات بهشت و معنای آن ها روشن است و با توجه به ویژگی ها و توصیفاتی که قرآن در مورد بهشت بیان کرده است اجمالاً می فهمیم که حقایق فراتر از این جهان مادی وجود دارد با این حال مصداق و کیفیت آن ها برای ما مشخص نیست و هیچ کس به ماهیت و حقیقت نعمت هایی که هنوز از دید آن ها پنهان است، علم ندارد و تا انسان به آن جهان نرود و نعمت ها را از نزدیک لمس و درک نکند، به واقعیت و مصداق عینی و خارجی آن ها پی نمی برد. این مطلب مشابه همان چیزی است که در رساله اول پولس به قرنطیان آمده: «آنچه اکنون می بینیم و می دانیم، تار و مبهم است؛ اما روزی همه چیز را واضح و روشن خواهیم دید» (اول قرنطیان، ۱۳: ۱۲).

شاخصه دوم اینکه بهشت و اوصاف آن از امور غیبی است. خداوند در آیه «جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا» (مریم، ۶۱) صراحتاً به این مطلب اشاره کرده است. توضیح اینکه علم ما، مخصوصاً نسبت به امور غیبی و حقیقت آن ها، بسیار محدود است و آگاهی هایی هم که داریم از طریق منشأ وحی به ما رسیده است. قرآن کریم وظیفه ما را نسبت به چنین امور غیبی، ایمان به آن بیان می کند و در وصف متقین می فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (البقرة، ۳).

سخن آخر اینکه توصیفات قرآن از بهشت نمودی واقعی از حقایق اخروی می باشند و قرآن در عین زیباگویی هرگز از مرز حقیقت گویی خارج نشده است. در واقع وعده های خداوند همچون وعده های دروغین شیطان نیست، بلکه وعده ای است حقیقی که خداوند حتمی بودن آن را تضمین کرده است و در سوره واقعه، بعد از توصیف نعمت های «سابقون» و «اصحاب یمین»، و عذاب های «اصحاب شمال»، می فرماید: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ» (الواقعه، ۹۵؛ موارد مشابه دیگر: الأعراف، ۴۴؛ النساء، ۱۲۲؛ الزمر، ۲۰؛ التوبة، ۷۲؛ لقمان، ۸-۹؛ الفرقان، ۱۵-۱۶).

۷- نتایج مقاله

مقاله را می توان در موارد ذیل فهرست نمود:

۷-۱- در «اسفار پنجگانه‌ی تورات»، سخن صریحی از رستاخیز و زنده شدن مردگان از قبرها وجود ندارد، بلکه اشاراتی است که بعضی دلالت آن‌ها بر معاد را پذیرفته و بعضی دیگر آن را انکار کرده اند. در سایر کتب «عهد عتیق» نیز علاوه بر ذکر اصل مسأله معاد و جهان پس از مرگ، در مورد بهشت و اوصاف آن سخنی در به میان نیامده است. ریشه این مطلب را باید در گرایش های مادی یهود و تأثیرپذیری از فلسفه یونان دانست که در زمان جمع آوری اسفار پنجگانه تورات توسط نویسندگان، در آن منعکس شده است.

۷-۲- بر خلاف «عهد عتیق» در شریعت شفاهی یهودیان یعنی «تلمود» - که در طول زمان سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر رسیده - به صورت نسبتاً گسترده‌ای رستاخیز مردگان، جهان آینده، بهشت و جهنم و اوصاف و جزئیات آن‌ها بسیار شبیه به قرآن مطرح شده است.

۷-۳- در کتاب های «اوستا» و «عهد جدید» از بهشت و اوصاف آن با تعبیر کلی نظیر جایگاه آسایش و آرامش، جایگاه خوشی و کامروایی، بهترین زندگی و زندگی جاوید، یاد شده است.

۷-۴- زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان نیز مانند مسلمانان به جهان پس از مرگ و بهشت و جهنم اعتقاد دارند، اما مبحث معاد و اوصاف بهشت در قرآن مجید علاوه بر مشترکات فراوان نسبت به کتب سایر ادیان، از جامعیت خاصی برخوردار بوده و به صورت روشن تر و دقیق تر بیان شده است که می توان گفت این مسأله ناشی از تحریفات و تغییرات کتب آسمانی پیشین، قرار گرفتن دین اسلام در مرحله‌ای فراتر در سیر تکاملی ادیان و نقش مهمی بودن قرآن کریم نسبت به سایر کتب آسمانی است.

۷-۵- در تعالیم هر سه دین زرتشت، یهود و مسیحیت - مخصوصاً در تلمود و سایر کتب زرتشتیان - توصیفات مشترک و مشابهی با بهشت معرفی شده در قرآن وجود دارد و این مطلب مبین خاستگاه واحد آنان می باشد.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم با ترجمه فولادوند
- ۲- کتاب مقدس (ترجمه تفسیری).
- ۳- اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، ویرایش دوم، چاپ دهم، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۵ش.
- ۴- ارداویرافنامه، ترجمه رحیم عقیقی، بی‌جا، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۲ش.
- ۵- ابن اسحاق، أحمد، تاریخ یعقوبی، بی‌جا، بیروت: دار صادر، بی‌تا.
- ۶- ابن بابویه قمی، محمد بن علی، الأمالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
- ۷- همو، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
- ۸- ابو زهره، محمد، المعجزة الكبرى القرآن، بی‌جا، قاهره: دار الفكر العربی، ۱۴۱۸ق.
- ۹- آگوستین قدیس، شهر خدا، ترجمه حسین توفیقی، چاپ دوم، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۲ش.
- ۱۰- ایازی، سید محمد علی، قرآن و فرهنگ زمانه، چاپ اول، قم: انتشارات کتاب مبین، ۱۳۷۸ش.
- ۱۱- بی‌ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، چاپ سوم، بی‌جا: انتشارات پیروز، ۱۳۵۴ش.
- ۱۲- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱ش.
- ۱۳- سالتز، آدین اشتاین، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، چاپ اول، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳ش.
- ۱۴- سرگلزایی، علی، «بهشت و دوزخ در دین زرتشتی»، نشریه دانشکده الهیات مشهد، شماره ۴۷ و ۴۸، ۱۳۷۹ش.
- ۱۵- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، یهودیت، چاپ اول، قم: آیات عشق، ۱۳۸۲ش.
- ۱۶- صغیر، محمد حسین، الصورة الفنية فی المثل القرآنی، چاپ اول، بیروت: دارالهادی، ۱۴۱۲ق.
- ۱۷- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- ۱۸- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق حسن الموسوی خراسان، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۱۹- عقیقی، رحیم، اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی، چاپ اول، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۴ش.
- ۲۰- فقیه، نسرین، «چهره باغ ایرانی»، مجله ایران نامه، شماره ۳۶، ۱۳۷۰ش.
- ۲۱- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحکام القرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
- ۲۲- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، چاپ چهارم، قم: دار الکتب، ۱۳۶۷ش.
- ۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۲۴- کهن، ابراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه از متن انگلیسی امیر فریدون گرگانی و ترجمه و تطبیق با متن عبری یهوشوع و تنن انی، چاپ اول، بی‌جا، چاپ خانه زیبا، ۱۳۵۰ش.
- ۲۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۲۶- مشکور، محمد جواد، خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، چاپ ششم، تهران: انتشارات شرق، ۱۳۷۷ش.
- ۲۷- نکونام، جعفر، «تفسیر معناشناسانه آیه محکم و متشابه»، مجله پژوهش دینی، شماره ۱۶، ۱۳۸۷ش.